

بنام نامی شهدای راه آزادی که با خونشان، راه و آرمانشان را در برابر هر گونه کینه توزی، سواستفاده ها، سفید سازی های مشمزش کننده، بریدگی و انفجار و ... جاودانه نموده و آن را نگاهبانی و پاس داشتند.

ابتدا از سازمان مجاهدین خلق ایران درخواست دارم که اجازه انتشار بیرونی این نامه را بدهند.

اینجانب علی مرادی رزمنده، مبارکسپست لنینیست در ارتش آزادیبخش ملی ایران، اخیراً از اطلاعیه ای که توسط مزدوری بنام ادهم طیبی منتشر شده، مطلع شدم.

فرد مزبور که در اطلاعیه اش یک دوچین نام و نشان، الفاظ و القاب از معاون عضو ستاد (؟!) و عضو شورای مرکزی مجاهدین تا کارگردان و طنزپرداز و شعبده باز و ... رابه دم خودش بسته تا قیمتش را در بازاره مکاره رژیم آخوندی بالا ببرد، به طرز مضحکی از دار و درفش و شکنجه، از محاکمه و ... در داخل سازمان مجاهدین سخن گفته و با خوش رقصی برای رژیم آخوندی و دنبالچه های خارجه نشین از کد مشترکی استفاده کرده که سابقاً با عبارات لایبروهای صادق و رهبران ناصداق از مجاهدین نام می بردند.

این یکی هم، به کرات، با یقه چاک دادن و خالک بر سر ریختن، فریاد سر داده که بیائید و به یاری آگاهترین، فداکارترین، رشیدترین و صادق ترین فرزندان خلق که در دست مسعود و مریم رجوی گیر افتاده اند بشتابید! (خنده حضار!)

عجبا که حماقت اطلاعات آخوندها، بی حد و حصر است و حداقل قبل از نوشتن این جملات لحظه ای فکر نکردند که این همه صفات نیک و این همه نیرو با این ویژگیها کجا و حیول چه محور و لنگری جمع شده اند که در مقابل تمام طوفانهای حوادث، چون کوه استوار ایستاده اند. راستی اگر نیروها و رزم آوران آزادی داری این صفات هستند دیگر و کالت یک تفاله مزدور افشاء شده چه حاجت است؟

نامبرده در عین حال که گفاه کرده و بند را آب داده است، در عین حال میخواهد آگاهترین، صادق ترین، فداکارترین و رشیدترین فرزندان خلق را به خیال خود از رهبرانشان جدا کند و آنان را به جان آمده جلوه دهد! این کوه تناقض را فقط حماری چون او میتواند حمل کند.

به ادعای وی در داخل سازمان مجاهدین، افراد نازاضی بدون و کیل مدافع محاکمه میشوند. طفلکی در دیدار با نماینده وزارت اطلاعات آخوندی به یک درجه و کالت هم نائل آمده است تا به دفاع از افرادی بپردازد که با عزمی راسخ در صفوف رزمندگان آزادی میباشند و نه نیازی به دفاع او دارند و نه منتظر چراغ سبز اقامت در کشورهای اروپایی هستند. همانها که در آینده ای نه چندان دور خودشان با صفیر مسلسلهایشان در اوج زندگی، و یا با خونشان بر

قله رفیع شهادت، به دفاع از آرمانهای انقلابیشان و به دفاع از خلق قهرمان ایران برخوانند خاست.

نکته بعد اینکه شخص منظور مزبور پس از کسب اطمینان از اینکه به یکی از کشورهای اروپایی رسانده شده خودش را در امن ترین نقطه برای حیانت و مزدوری و نزدیکی به یک گونی تفاله دیگر یافته و می گوید «لازم میدانم اکنون بدین وسیله جدا شدن خود را از جریان موسوم به سازمان مجاهدین خلق اعلام کنم!»

حال باید گفت: اگر این «اعلام جدایی» دیورس (پس از افشاء در گزارش مدیریت ضد اطلاعات ارتش آزادیبخش) برای کسب آرزوهای دیرین آزادی ورهائی مردم ایران است و این گم کردن یک مأمور اعزامی وزارت اطلاعات نیست، لطفاً بفرمایید در جلوتر از ارتش آزادی، یعنی نزدیک تر به مرز ایران، پایگاه و میدان رزم بنا کنید و از آنجا به مبارزه با رژیم ضد ایرانی به مبارزه برخیزید تا اعتماد خلق را به خود جذب کنید تا خلق نیز به یاری شما بشتابند. آخر رژیم جمهوری اسلامی، در نیز یا در کنار رود سن که حاکم نیست ...

در غیر اینصورت ... بکبار مصرف خواهی بود که پس از قی کردن خزعبلات بدور افکنده خواهی شد. زیرا این راه راپیش تر از تو افرادی دیگر رفته اند و طرفی نیستند: کریم حقی، علی فراستی، نوروز علی رضوانی و ...

هدف از نوشتن این مطلب از اساس، نه دفاع از مجاهدین و رهبران آنان و نه دفاع از مناسبات درونی مجاهدین و ارتش آزادی است زیرا نیازی به این کار ندارند. خون یکصد و بیست هزار شهید چون برق درخشان خورشید بر پاکبازی و صداقت رهبری این مقاومت آقای مسعود رجوی و رئیس جمهور برگزیده اش خانم مریم رجوی و بر حقانیت این راه و این مبارزه بی امان علیه رژیم جمهوری اسلامی گواهی خواهد داد و اعتماد توده ها نیز در همین خون و خیزش های عظیم مردم متبلور میشود.

من برای پاسخگویی به اطلاعیه نوکر دست چندم وزارت اطلاعات دست به قلم نبرده ام آنچه مرا به این امر واداشت مسئولیت و وجدان انقلابی است که بر هر انقلابی حکم میکند همواره هوشیار و آماده در کمین لحظه ها بنشیند و مرز داشته باشد و خود را از آلودگی بزداید.

اینجانب بعنوان یک انقلابی در صفوف ارتش آزادیبخش در خلال سالیان حضورم شاهد حقایقی بوده ام که می بایست به آن گواهی دهم و همچنین نسبت به مفاهیم و عباراتی چون «مردم شنیدیده» و «اعتماد توده ها» که برای مزدوری و خدمت به رژیم مورد سواستفاده مزدور وزارت اطلاعات قرار گرفته اند، احساس و رابطه ای دارم که باید پاسخ بدهم: دست خر کوتاه! دهانت را آب بکش و واژه ها و مفاهیم را آلوده نکن.